

احصای مؤلفه‌های بنیادین حکمرانی تراز در پرتو خوانش تحلیلی فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی

علی محمدیان

دانشیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه بزرگمهر قائنات، قائن، ایران (نویسنده مسئول).

پست الکترونیکی: mohammadian@buqaen.ac.ir

مریم غلامی زین آباد

دانش آموخته دکترای فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

چکیده

حکمرانی تراز یکی از مفاهیم کلیدی در مطالعات سیاسی است که در نظام‌های دینی، با شاخص‌هایی از قبیل عدالت، پاسخ‌گویی، کارآمدی و کرامت انسانی پیوند می‌خورد. فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی (ره)، به مثابه یکی از اسناد مترقی پس از انقلاب اسلامی، مجموعه‌ای منسجم از اصول حکمرانی اسلامی را ارائه داده و تلفیقی از فقه، اخلاق و مدیریت عملی محسوب می‌شود. جستار حاضر نظر به اهمیت بحث و خلاء پژوهشی موجود، با رویکرد تحلیلی و محتوایی، شش محور اصلی فرمان هشت‌ماده‌ای امام شامل عدالت و اجرای احکام شرع، کرامت انسانی و مصونیت حریم خصوصی، پاسخ‌گویی و نظارت متقابل، کارآمدی و شفافیت، حدود قدرت در شرایط امنیتی و استثنایی و پیوند میان عدالت قضایی و اعتماد عمومی را مورد احصا و بررسی قرار داده است. تحلیل محتوایی فرمان مزبور حکایت از آن دارد که امام خمینی (ره) حکمرانی تراز را با رعایت توازن میان قدرت، حقوق مردم، پاسخ‌گویی نهادها و اجرای دقیق عدالت تعریف کرده و محدودیت قدرت حتی در شرایط بحرانی را به عنوان پیش‌شرط مشروعیت حکومت لحاظ می‌نماید. نگارندگان معتقدند فرمان هشت‌ماده‌ای مزبور، الگویی ممتاز برای ایجاد حکومت اخلاق‌مدار، شفاف و پاسخگو ارائه می‌دهد و می‌تواند در مطالعات معاصر حکمرانی اسلامی به عنوان مرجعی استوار و مترقی، برای تطبیق موازین فقهی با استانداردهای جهانی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، فرمان هشت‌ماده‌ای، حکمرانی تراز، عدالت قضایی، پاسخ‌گویی، کرامت، شفافیت.

Title: Identifying the Fundamental Components of Balanced Governance in Light of an Analytical Reading of Imam Khomeini's Eight-Point Decree

Abstract:

Balanced governance is one of the key concepts in political and management studies, which in religious and Islamic systems is linked to indicators such as justice, accountability, efficiency, and human dignity. Imam Khomeini's Eight-Point Decree, as one of the progressive documents following the Islamic Revolution of Iran, presents a coherent set of principles of Islamic governance and is considered a blend of jurisprudence, ethics, and practical management. Given the importance of the topic and the existing research gap, the present essay, with an analytical and content-oriented approach, has identified and examined six main axes of Imam Khomeini's Eight-Point Decree. These include: justice and the implementation of religious law, human dignity and the inviolability of private life, accountability and mutual oversight, efficiency and transparency, the limits of power in security and exceptional circumstances, and the link between judicial justice and public trust.

Content analysis of this decree indicates that Imam Khomeini defined balanced governance by observing a balance between power, people's rights, institutional accountability, and the precise administration of justice, and considered the limitation of power even in critical conditions as a prerequisite for the government's legitimacy. The research findings suggest that this Eight-Point Decree provides an excellent model for establishing an ethical, transparent, and accountable government and can be used in contemporary studies of Islamic governance as a solid and progressive reference for adapting jurisprudential standards to global norms.

Keywords: Imam Khomeini, Eight-Point Decree, Balanced Governance, Judicial Justice, Accountability, Dignity, Transparency.

۱- بیان مسئله

بدون تردید فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی(ره)، یکی از مهم‌ترین اسناد در تاریخ معاصر جمهوری اسلامی ایران است که در اوج تحولات پس از انقلاب اسلامی صادر شد. این فرمان صرفاً واکنشی به شرایط اجتماعی، اداری و قضایی آن دوران محسوب نمی‌شود، بلکه در عین حال به‌مثابه منشوری از اصول حکمرانی اسلامی تلقی می‌گردد که در آن، امام خمینی تلاش کردند میان اقتضائات نظام اسلامی و صیانت از حقوق و آزادی‌های شهروندان توازن برقرار سازند. از این حیث، فرمان هشت‌ماده‌ای را می‌توان نقطه تلاقی میان فقه، اخلاق و نظریه حکمرانی دانست؛ متنی که در آن دغدغه اجرای احکام الهی، حفظ کرامت انسان و تحدید قدرت در کنار هم ظاهر می‌شوند.

البته در نگاه نخست، این فرمان خطاب به قوای قضایی و اجرایی کشور صادر شده است، اما در سطحی عمیق‌تر، حامل فلسفه‌ای از حکومت و عدالت است که مبانی نظری حکمرانی تراز را در چارچوب شریعت اسلامی بازتعریف می‌نماید. به‌نظر می‌رسد با گذشت بیش از چهار دهه از صدور این فرمان، بازخوانی آن از منظر حکمرانی تراز ضرورت تازه‌ای یافته است. در همین راستا پرسش اصلی این است که آیا می‌توان در متن فرمان هشت‌ماده‌ای، مؤلفه‌هایی همسو با شاخص‌های حکمرانی تراز یافت و اگر پاسخ مثبت است، این مؤلفه‌ها چگونه در چارچوب موازین شرعی تحلیل و بازسازی می‌شوند؟

از حیث تبارشناسی سند مزبور باید گفت در سال ۱۳۶۱، نظام جمهوری اسلامی هنوز در مرحله تثبیت بود و نهادهای نوپای قضایی و امنیتی درگیر بحران‌های گوناگون، از جمله ترور، ناامنی و بی‌نظمی‌های اداری بودند. در چنین فضایی، امام خمینی با صدور این فرمان، کوشیدند تا مرز میان اقتدار نظام و آزادی‌های فردی را ترسیم نمایند. از این‌رو، این فرمان را می‌توان تلاشی برای نهادینه کردن حکومت قانون در درون نظام اسلامی دانست؛ حکومتی که قدرت را مقید به ضوابط شرع و اخلاق می‌سازد و آن را در خدمت انسان و عدالت به کار می‌گیرد.

بنابراین مسئله‌ای که این مقاله در پی بررسی آن است، تبیین نسبت میان آموزه‌های فرمان هشت‌ماده‌ای و حکمرانی تراز است. به بیان دیگر، پرسش کلیدی این است که فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی چه درکی از حکمرانی عادلانه و مطلوب ارائه می‌دهد؟ اهمیت این مسئله از چند جهت قابل توضیح است. نخست اینکه فرمان هشت‌ماده‌ای در میان متون رسمی جمهوری اسلامی جایگاه ممتاز دارد؛ زیرا به‌نظر می‌رسد برخلاف بسیاری از فرامین سیاسی یا نظامی، مخاطب اصلی آن نه فقط نهادهای دولتی، بلکه وجدان اخلاقی جامعه اسلامی است. دوم اینکه این فرمان واجد ظرفیت فقهی عمیقی است که می‌تواند مبنایی برای گفت‌وگو میان فقه اسلامی و نظریه‌های نوین حکمرانی باشد. و سوم، در شرایط کنونی که مفهوم حکمرانی تراز به یکی از شاخص‌های سنجش کارآمدی دولت‌ها تبدیل شده است، بازخوانی این متن می‌تواند نشان دهد که فقه سیاسی امام خمینی واجد چه ظرفیت‌هایی برای ارائه الگوی بومی حکمرانی مطلوب در جهان اسلام است.

بنابراین، هدف این پژوهش آن است که از طریق تحلیل محتوای فرمان هشت‌ماده‌ای و تطبیق آن با مؤلفه‌های حکمرانی تراز، نشان دهد که امام خمینی در این فرمان، تصویری از حکومت اسلامی ارائه

می‌کند که در آن عدالت، قانون‌مندی، شفافیت، پاسخ‌گویی و رعایت حقوق مردم، در مرکز نظام سیاسی قرار دارد.

۲- پیشینه پژوهش

مطابق تتبع نگارندگان، تاکنون پژوهش‌هایی در باب فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی(ره) انجام شده است. از باب نمونه در مقاله‌ای با عنوان «حریم خصوصی شهروندان در اندیشه امام خمینی با تأکید بر فرمان هشت ماده‌ای» (رجایی و فکری، ۱۳۹۰)، نویسندگان به طور خاص بر حریم خصوصی شهروندان در اندیشه امام خمینی تمرکز کرده‌اند. وجه افتراق جستار حاضر با مقاله فوق در این است که پژوهش حاضر با استخراج و تحلیل شش محور به هم پیوسته، چارچوب جامع و نظام‌مندی از حکمرانی تراز ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد حریم خصوصی چگونه در کنار عدالت، پاسخ‌گویی، کارآمدی و... به عنوان بخشی از یک الگوی حکمرانی منسجم تعریف می‌شود.

رویکرد یکی دیگر از مقالات به فرمان هشت‌ماده‌ای، برداشت پیش‌گیرانه از آن است: «فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره) با رویکردی پیش‌گیرانه چه رنگی است؟» (قادری، ۱۳۹۶)، و روشن است که تمایز این پژوهش با نوشتار فرارو در این است که مقاله حاضر فارغ از نگاه جزئی و تک‌بعدی، یک چارچوب نظری و ساختاری برای حکمرانی استخراج می‌کند.

در پژوهشی دیگر تحت عنوان «حمایت از حریم خصوصی در کشف جرائم مشهود» (میرزاده و موسوی، ۱۴۰۰)، نگارندگان به این نتیجه رسیده‌اند که فرمان هشت‌ماده‌ای تحدیدکننده اختیارات ضابطین قضایی است؛ حال آنکه مقاله حاضر فرمان مزبور را با نگاهی کل‌نگر، به مثابه سندی بنیادین برای تدوین یک نظریه حکمرانی (حکمرانی تراز) تحلیل می‌کند.

بنابراین در مقایسه با پژوهش‌های پیشین، نوآوری این مقاله در این است که با رویکردی جامع، تمامی بندهای فرمان هشت ماده‌ای در قالب شش محور تحلیلی بررسی شده و ارتباط آن با اصول حکمرانی، عدالت اجتماعی، پاسخ‌گویی، کارآمدی و اعتماد عمومی تبیین گردیده است. همچنین نوآوری پژوهش، در بازخوانی فرمان با تأکید بر حکمرانی تراز به عنوان چارچوب نظری و عملی است؛ به گونه‌ای که نشان می‌دهد موازین شرعی چگونه می‌تواند در ایجاد حکمرانی اخلاق‌مدار، شفاف، پاسخگو و مشروع در نظام مدرن ایفای نقش کند.

به‌طور کلی، این پژوهش با تحلیل محتوایی شش محور اصلی فرمان هشت‌ماده‌ای، می‌کوشد در حد بضاعت خود، شکاف موجود در مطالعات پیشین را پر کرده و ضمن ارائه تبیین نظری منسجم، کاربرد عملی آن را برای فهم و ارتقای حکمرانی اسلامی در ایران معاصر و مقایسه با معیارهای جهانی نشان دهد.

۳- چستی حکمرانی تراز

مفهوم حکمرانی تراز مطابق آنچه در این نوشتار مدنظر نگارندگان می‌باشد، گفتمان و روشی در ادبیات سیاست‌گذاری اسلامی و مطالعات فقه حکومتی است که تلاش می‌کند تصویری بومی و عدالت‌محور از اداره جامعه ارائه دهد؛ تصویری که در آن، ساختار و فرایندهای حکومتی در یک تراز مشخص از عدالت، اخلاق، کارآمدی و صیانت از حقوق مردم قرار می‌گیرند. از این حیث به‌نظر می‌رسد این مفهوم، پیوندی مستقیم با ارزش‌های دینی، فقهی و اخلاقی دارد و بر هماهنگی میان اقتدار مشروع و حقوق و کرامت انسان تأکید می‌کند. تراز در این اصطلاح، استعاره‌ای از «میزان»^۱ در اندیشه اسلامی

^۱ از باب نمونه بنگرید به آیات: الرحمن/۷؛ الحديد/۲۵؛ الحجرات/۱۲. برخی از مفسران برجسته در باب معنای واژه مزبور معتقدند که میزان در اصل، معیار و محکی است که به مدد آن، هر امری سنجیده و ارزیابی می‌گردد و از نمونه‌های آشکار آن، ترازویی است که اوزان سنگین را با آن می‌سنجند. لیکن حقیقت آن است که میزان هر چیزی، متناسب با حقیقت و ماهیت خود آن چیز است. از این حیث مراد از میزان در آیه شریفه، همان مفهومی است که در آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» بدان اشاره رفته است. از ظاهر آیه برمی‌آید که منظور، هر ابزاری است که به واسطه آن، حق از باطل، راست از دروغ، عدل از ستم و فضیلت از رذیلت بازشناخته شود؛ چرا که رسالت پیامبر، آوردن چنین میزان و محک الهی است. بعضی بر این باورند که مراد از میزان، عدالت است و خداوند آن را برپا داشت تا شما مردمان، بر اساس آن، قسط و برابری را در میان اشیا برقرار سازید و هر چیزی را در جایگاه شایسته‌اش بنهید و حق هر موجودی را به او ادا کنید (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۹، ص ۹۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۱۰۵). شیخ طوسی معتقد است که اگر ترازو (میزان)

است؛ یعنی وضعیتی که در آن، همه عناصر حکومت در نقطه تعادل قرار می‌گیرند و هیچ ساحتی از ساحت‌های قدرت بر حقوق و آزادی‌های مشروع مردم سایه نمی‌اندازد. نکته مهم این است در منظومه تفکر دینی، این مفهوم زمانی معنا می‌یابد که با ارزش‌های عدل، کرامت انسانی، امانت‌داری، رعایت حقوق مردم از جمله اقلیت‌ها و برابری همه شهروندان ترکیب شود (ر.ک: عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص: ۵۶۸؛ منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۹۳)، و به تعبیر یکی از اندیشوران معاصر در دین مقدس اسلام، انسان، حقوق انسان، آزادی و مساوات آنها نهایت ارزش و احترام را دارد (مطهری، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۱۴۹)، و از همین‌جا، امکان گفت‌وگوی نظری بین حکمرانی تراز و فقه سیاسی فراهم می‌شود.

۴- پیشینه تاریخی و زمینه صدور فرمان

فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی در تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۶۱ در شرایطی صادر شد که کشور از یک‌سو درگیر تثبیت ساختارهای حکومتی و نهادهای اجرایی نوپا بود و از سوی دیگر با چالش‌های سیاسی و امنیتی بسیاری مواجه بود. لذا این فرمان را می‌توان یکی از مهم‌ترین اسناد حکمرانی در نظام اسلامی دانست؛ زیرا نه تنها دستورالعملی برای اصلاح نظام اداری و قضایی است، بلکه بیانیه‌ای نظری درباره مرزهای مشروعیت قدرت، صیانت از حقوق مردم و رعایت اصول اخلاقی در حکمرانی محسوب می‌شود (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۳۹-۱۴۳).

امام خمینی در این فرمان، بر اصولی تأکید کردند که نشان‌دهنده عمق نگرش فقهی و اخلاقی ایشان به حکومت اسلامی است. البته اگرچه خطاب صریح فرمان متوجه قوه قضاییه، نیروهای انتظامی و دستگاه‌های اجرایی است، اما روح آن متوجه همه کارگزاران نظام می‌باشد. امام در بند سوم تصریح می‌کنند که عمل به عدل اسلامی مخصوص قوه قضاییه نیست، بلکه شامل مجلس، دولت، سپاه، کمیته‌ها و سایر ارگان‌ها نیز می‌شود. این گستره شمول، نشان می‌دهد که فرمان صرفاً یک دستور قضایی نیست، بلکه سندی راهبردی برای تمام ارکان حکمرانی است.

در واقع، امام با این فرمان به دنبال آن بودند که فرهنگ حاکم بر مدیریت کشور از رفتارهای هیجانی و شور انقلابی صرف، به انقلابی اخلاقی و شریعت‌مدار تغییر یابد. از همین‌رو، امام تأکید کردند که از این پس هیچ‌کس حق ندارد به نام انقلاب به دیگران ظلم کند و ملت باید احساس امنیت و آرامش نمایند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۴۰).

از این حیث، فرمان هشت‌ماده‌ای را می‌توان یکی از گام‌های بنیادین در فرایند اسلامی‌سازی ساختار حکومتی دانست. این الگوی حکومتداری، برگرفته از همان آموزه‌های ممتازی است که امام علی (ع) در فرمان تاریخی خود به مالک اشتر بر آن تأکید کرده بود (نامه ۵۳). توضیح آنکه امام علی (ع) در نامه‌ای به مالک، ژرف‌اندیشانه‌ترین مبانی حکمرانی و مدیریت جامعه را به تصویر کشیده‌اند. در این نامه، امام علی (ع) وظایف و الزاماتی را در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، قضایی، نظامی و فرهنگی برای زمامداران ترسیم می‌کنند که راهنمای عمل هر کارگزار شایسته‌ای در نظام اسلامی است. البته هرچند این عهدنامه خطاب به مالک اشتر و برای اداره مصر نگاشته شده است، اما به تعبیر علامه جعفری، محتوای آن تنها به یک فرد یا یک سرزمین محدود نمی‌شود، بلکه چارچوبی جهان‌شمول در هر عصر و شرایطی ارائه می‌دهد (جعفری، ۱۳۷۳، ص ۱۵؛ همچنین ر.ک: نائینی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۰؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۳۵).

۵- بازشناسی شاخصه‌های حکمرانی تراز در فرمان هشت‌ماده‌ای

در این قسمت، تحلیل محتوایی فرمان هشت‌ماده‌ای و اصول حکمرانی تراز در اندیشه امام خمینی (ره) با ساختاری چندمحوری و تحلیلی ارائه می‌گردد تا هم محتوای فرمان به‌صورت نظام‌مند بررسی شود و هم پیوند آن با شاخص‌های حکمرانی تراز روشن گردد.

نبود، دستیابی به بسیاری از حقوق غیرممکن می‌شد؛ به همین دلیل خداوند بر نعمت وجود آن و هدایت به سوی آن، تأکید کرده است: «لو لا میزان لتعذر الوصول إلى كثير من الحقوق، فلذلك نبه على النعمة فيه و الهداية إليه.» (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۶۵؛ همچنین ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۳۰۰؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۷، ص ۲۰۵).

۱-۵: محور اول: عدالت و حاکمیت قانون به مثابه بنیاد حکمرانی اسلامی

عدالت از حیث لغوی به معنای برابری، توازن و استقامت است: «الْعَدَالَةُ وَ الْمُعَادَلَةُ: لَفْظٌ يَقْتَضِي مَعْنَى الْمَسَاوَةِ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۵۱؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۸) و از نظر اصطلاحی عبارت است از میانه‌روی و دوری از افراط و تفریط، به‌نحوی که در آن فزونی و کاستی نباشد (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۸، ص ۵۵). و در همین راستا گفته شده است عدالت به معنای «وضع کل شیء فی موضعه» یعنی قرار دادن هر چیز در جای خود است (صدر، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۹). اصل بنیادین عدالت در منظومه معرفتی قرآن کریم و تعالیم اسلامی، جایگاهی محوری دارد؛ به‌گونه‌ای که هم در ساحت قانون‌گذاری و تشریع و هم در عرصه اجرا و تحقق بیرونی احکام، همواره مورد توجه بوده است. اهمیت این حقیقت آن‌چنان است که قرآن، برپایی عدالت را رسالتی الهی برای پیامبر اکرم دانسته و می‌فرماید: «وَأَمْرٌ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ» (الشوری/۱۵). در آیه‌ای دیگر، عدالت ورزی نزدیک‌ترین راه به تقوا معرفی شده است: «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (المائدة/۸). این آیات به‌خوبی نشان می‌دهد که عدالت نه یک توصیه اخلاقی صرف، بلکه ستون فقه، اخلاق، جامعه‌سازی و نظام‌مندی اسلامی است (منتظری، ۱۴۲۹، ص ۶۸).

در همین راستا فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی نقطه عطفی در تبیین مبانی حکمرانی اسلامی است؛ زیرا در آن، عدالت و حاکمیت قانون به‌عنوان ستون‌های اساسی سامان‌دهی قدرت، قضا و اداره کشور معرفی می‌شود. امام خمینی در این فرمان نشان می‌دهد که مشروعیت حکومت اسلامی بر اجرای عدالت، پاسداشت حقوق مردم و التزام کامل کارگزاران به قانون شرع استوار است. ایشان معتقدند اسلام برای برپایی حکومت عادلانه به‌پا خواست که در آن قوانین مالیات و بیت المال عادلانه است، قوانین جزائی در حیطه قصاص، حدود و دیه که برای ریشه‌کن سازی مفاسد و اعمال زشت و نیز قوانین مربوط به حقوق و دادرسی به روشی عادلانه و آسان تشریع شده‌است (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۶۱۸).

بندهای نخست فرمان، به‌ویژه بر جایگاه قوانین شرعی در رأس مقررات کشور، ضرورت استقلال قضایی، و لزوم رعایت حقوق شهروندان در فرایندهای قضایی و اجرایی تأکید دارند و از همین رهگذر، چارچوبی ارائه می‌کنند که می‌توان آن را نخستین صورت‌بندی عملی حکمرانی اسلامی در جمهوری اسلامی دانست.

در اندیشه امام خمینی، عدالت مفهومی فراتر از توزیع برابر منابع است و ناظر به همه شئون حیات جمعی می‌باشد؛ از رفتار فردی گرفته تا عملکرد نهادهای سیاسی و امنیتی. عدالت در این نگاه، به معنای رعایت کامل حقوق مردم، جلوگیری از ظلم و تعدی، و اجرای دقیق قوانین شرعی در فرایند قضاوت و مدیریت اجرایی است. همان‌طور که امام علی (ع) ثبات دولت‌ها را در گرو اقامه عدل می‌داند: «فِي الْعَدْلِ الْاِقْتِدَاءُ بِسُنَّةِ اللَّهِ وَ ثَبَاتُ الدُّوَلِ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۳۲۰؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۳۵).

اشاره ایشان در بند سوم فرمان به اینکه مأموران اجرا و ابلاغ باید دقیقاً پیرو حکم قاضی باشند تا مردم از صحت و سلامت فرایند دادرسی احساس آرامش کنند، نشان می‌دهد که عدالت برای امام نه صرفاً ارزش اخلاقی، بلکه سازوکار نهادی و الزام حاکمیتی است. این پیوند میان عدالت، کرامت انسانی، و اجرای قانون، به روشنی حکایت از آن دارد که امام خمینی عدالت را اساس اعتماد مردم به حکومت و شرط اصلی بقای مشروعیت نظام می‌دانست.

از سوی دیگر، حاکمیت قانون در فرمان هشت‌ماده‌ای جایگاهی ویژه دارد. امام خمینی تصریح می‌کنند که هیچ فرد یا نهادی، حتی انقلابی‌ترین ساختارها، حق ندارند خارج از حکم شرعی اقدام به دستگیری، توقیف، مصادره یا اعمال قدرت کنند. بند اول فرمان که بر تدوین و ابلاغ دقیق قوانین شرعی و قرار گرفتن آنها در رأس همه مقررات تأکید می‌کند، جوهره این نگاه را نشان می‌دهد. افزون بر این، توجه امام به صلاحیت و بی‌طرفی قضات و کارگزاران، بیانگر آن است که حاکمیت قانون بدون کارگزار صالح، مفهوم کاملی ندارد. از این رو، امام نه فقط به قانون، بلکه به حاکمیت قانون توسط مجریان

عادل توجه می‌کند؛ امری که با شاخص‌های مدرن حکمرانی تراز، همچون استقلال قوه قضاییه، پاسخ‌گویی، و بی‌طرفی نهاد قضاوت، همپوشانی دارد و در فقه نیز با عبارتی از قبیل «یجب علی القاضي التسوية بين الخصمين» (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۷۲؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۵۳)، بر آن تأکید شده است.

یکی از نکات برجسته در این فرمان، گسترده‌گی دامنه عدالت است. عدالت در نگاه امام خمینی تنها وظیفه دستگاه قضایی نیست، بلکه اصل فراگیر حاکم بر رفتار تمام ارکان حکومت است؛ از مجلس و دولت تا نیروهای نظامی و انتظامی. هشدار ایشان نسبت به افراط و تفریط در تصفیه افراد و تأکید بر اینکه ملاک، وضعیت فعلی افراد است، نشان می‌دهد که عدالت باید از تبعیض، سلیقه‌گرایی، و برخوردهای خارج از معیارهای شرعی و قانونی فاصله بگیرد. این رویکرد، تلاش برای ایجاد ساختاری متوازن است که در آن برخورد با فساد و تخلف، نه به افراط کشیده شود و نه با تساهل موجب پایمال‌شدن حقوق مردم گردد.

امام خمینی عدالت را علاوه بر یک اصل فقهی و اخلاقی، عامل اصلی تولید امنیت اجتماعی و اعتماد عمومی قلمداد می‌نمایند. تأکید بر اینکه مردم باید از صحت فرایند قضا و اجرا احساس آرامش کنند، نشان می‌دهد که عدالت در این فرمان به‌عنوان راهبرد اصلی برای تثبیت نظام سیاسی و تقویت سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی فهم شده است. در شرایط بعد از انقلاب و همزمان با جنگ، چنین تأکیدی نشان‌دهنده فهم دقیق امام از نیاز جامعه به ثبات و اعتماد بود؛ امری که امروز نیز یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حکمرانی تراز در نظریه‌های مدرن به شمار می‌آید.

تحلیل محتوای بندهای نخست فرمان نشان می‌دهد که این سند، با وجود اینکه در ادبیات سیاسی متأثر از مفاهیم فقهی شکل گرفته، به‌صورت طبیعی با شاخص‌های مدرن حکمرانی تراز از جمله حاکمیت قانون، عدالت و برابری، شفافیت و پاسخ‌گویی سازگاری دارد. در واقع، امام خمینی بدون استفاده از زبان علوم سیاسی معاصر، مبانی نظری حکمرانی تراز را در قالب چارچوبی اسلامی و بومی تبیین کرده است.

در مجموع، محور عدالت و حاکمیت قانون در فرمان هشت‌ماده‌ای نشان می‌دهد که امام خمینی عدالت را بنیاد هر سیاست‌گذاری و شرط اصلی مشروعیت حکومت اسلامی می‌دانست.

۲-۵: محور دوم: کرامت انسانی و مصونیت حریم خصوصی

فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی (ره) در بندهای چهارم تا ششم نشان می‌دهد که یکی از دغدغه‌های اصلی ایشان حفظ کرامت انسانی و صیانت از حریم خصوصی افراد بوده است. این مفهوم که ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد، هرچند به صورت صریح در متون دینی عنوان نشده، اما از محتوای آیات و روایات^۱ و نیز از طریق ابواب مستقلى که فقها با عناوینی چون «من طلب عثرات المؤمنین» (کلینی،

۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۵۴)، «النهی عن التجسس» (بی‌هقی، ۱۴۲۴، ج ۸۷، ص ۵۷۸)، «وجوب ستر الذنوب» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۶۳)، گشوده‌اند قابل برداشت است. همچنین اصولی از قانون اساسی مانند اصل ۲۳ (حرمت تفتیش عقاید) و اصل ۲۵ (مصونیت مکاتبات و مکالمات) به‌صورت مستقیم به این موضوع پرداخته‌اند. افزون بر این، قوانینی چون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» و «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» گام‌های تقنینی در جهت شناسایی و صیانت از حریم خصوصی افراد به‌شمار می‌روند.

در هر صورت در نگاه امام، حکومت اسلامی نه تنها موظف به برقراری عدالت است، بلکه باید محیطی فراهم کند که انسان‌ها بتوانند از امنیت شخصی و آرامش روانی برخوردار باشند. این نگرش در شرایط پس از انقلاب که جامعه دچار تلاطم‌های شدید سیاسی، اجتماعی و امنیتی بود، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کرد.

۱ ر.ک: سوره نور: آیات ۱۹، ۲۷، ۲۸، ۵۸، ۵۹ سوره نور و الحجرات/۱۲.

امام خمینی در بند چهارم فرمان با صراحت تأکید می‌کند که هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قضایی توقیف یا احضار کند و هر گونه اقدام به عنف و تجاوز به حقوق افراد، جرم و مستوجب تعزیر شرعی است. این نگاه نشان می‌دهد که ایشان حریم خصوصی را نه یک موضوع جزئی، بلکه یک اصل بنیادین حکمرانی اسلامی قلمداد می‌کنند. مصونیت حریم خصوصی از دیدگاه امام، شامل اموال، منزل، محل کار و حتی اسرار شخصی و مکالمات خصوصی می‌شود و در نظرگاه ایشان تجاوز به آن بدون ضابطه شرعی و قانونی، مصداق ظلم و گناه کبیره است. فرمان همچنین بر این نکته تأکید دارد که حتی در مواجهه با گناهکاران یا افرادی که مرتکب فساد شده‌اند، تجاوز به حریم خصوصی و افشای اسرار آنان جایز نیست و مأموران باید عمل خود را محدود به وظیفه نهی از منکر نمایند. این دیدگاه، تأکیدی عملی بر کرامت انسانی به مثابه یک ارزش اخلاقی و حقوقی است. کرامت انسانی در فرمان هشت‌ماده‌ای با حاکمیت قانون پیوند خورده و نشان می‌دهد که اجرای عدالت بدون رعایت حقوق فردی ناقص است. از نگاه امام، امنیت شخصی و مصونیت افراد از تعرض به حریم خصوصی نه تنها به نفع مردم است، بلکه تضمین‌کننده ثبات اجتماعی و اعتماد عمومی نیز می‌باشد. زمانی که مردم احساس کنند حکومت از حدود شرعی تجاوز نمی‌کند و حقوق آنان محترم شمرده می‌شود، اعتماد و حمایت خود را از نظام افزایش می‌دهند و این خود از مؤلفه‌های کلیدی حکمرانی تراز است. فرمان هشت‌ماده‌ای نشان می‌دهد که کرامت انسانی در اندیشه امام خمینی فراتر از حقوق مادی است و شامل احترام به حیثیت، آبرو و حریم روانی افراد نیز می‌شود. منع شنود و تجسس، عدم افشای اسرار حتی در مواجهه با گناه، و محدود کردن ورود مأموران به منازل و محل کار تنها با ضابطه شرعی، نمونه‌های روشن رعایت کرامت انسانی در متن فرمان هستند. امام در اینجا میان ضرورت مقابله با دشمنان نظام و حفظ حقوق شهروندان تفکیک قائل می‌شوند و تأکید می‌کنند که حتی در مواجهه با گروهک‌های مخالف یا افرادی که قصد براندازی دارند، تجاوز از حدود الهی و انسانی جایز نیست. این نگرش، نشان‌دهنده تلفیق فقه، اخلاق و سیاست در اندیشه امام است. حکومت اسلامی از دیدگاه ایشان نه ابزاری برای سلطه یا اعمال قدرت نامحدود، بلکه نهادی است که باید حقوق مشروع افراد را پاس دارد و از تجاوز به حریم خصوصی جلوگیری کند. این رویکرد می‌تواند به عنوان نمونه‌ای از تطبیق مبانی فقهی با مفاهیم حقوق بشر و شاخص‌های حکمرانی تراز مدرن مورد مطالعه قرار گیرد. مصونیت حریم خصوصی و کرامت انسانی در این متن، پیش‌درآمدی بر مفاهیم حقوق شهروندی و آزادی‌های فردی است که در دهه‌های بعد در ادبیات حکمرانی جهانی مورد توجه قرار گرفت. همچنین، فرمان نشان می‌دهد که حفظ کرامت انسانی با عدالت و حاکمیت قانون ارتباط تنگاتنگ دارد. اجرای عدالت بدون توجه به حقوق شخصی افراد ناقص است و می‌تواند به ایجاد ترس و ناامنی در جامعه منجر شود. امام خمینی با تأکید بر این نکته، تلاش می‌کنند تعادل میان اقتدار حکومت و حقوق فردی مردم برقرار شود. مأموران و کارگزاران اجرایی موظفند در تمام مراحل اجرای وظایف، حریم انسان‌ها را محترم شمارند و تنها در چهارچوب وظایف شرعی عمل کنند. این نگاه، همسو با شاخص‌های مدرن حکمرانی تراز است که احترام به حقوق بشر و رعایت حریم خصوصی را یکی از مؤلفه‌های اصلی مشروعیت و کارآمدی حکومت می‌دانند.

در مجموع محور کرامت انسانی و مصونیت حریم خصوصی در فرمان هشت‌ماده‌ای، تصویری از حکمرانی اخلاق‌مدار و انسانی ارائه می‌دهد؛ حکمرانی‌ای که در آن قدرت محدود و مقید به ضوابط شرعی و اخلاقی است، حقوق مردم محترم شمرده می‌شود، و مأموران دولت و نهادهای اجرایی موظفند از تجاوز و تعدی پرهیز کنند، تصویری که تمامی مؤلفه‌های حکمرانی تراز دینی را در خود جای داده است.

۳-۵: محور سوم: پاسخ‌گویی و نظارت متقابل در نظام اسلامی

فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی در بند هشتم خود توجه ویژه‌ای به مسئله پاسخ‌گویی و ایجاد سازوکارهای نظارتی میان مردم و مسئولان دارد. ایشان با درک اهمیت اعتماد عمومی برای تثبیت حکومت نوپای اسلامی، تصریح می‌کنند که هیچ نهادی یا مأموری حق ندارد از حدود شرعی و قانونی عبور کند و

اگر تجاوز یا تعدی نسبت به حقوق مردم صورت گرفت، باید سازوکاری برای پیگیری و پاسخ‌گویی وجود داشته باشد. این بند فرمان، با تعیین هیأت‌هایی مورد اعتماد در استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها برای دریافت شکایات مردم، نخستین الگوی رسمی پاسخ‌گویی و نظارت متقابل در جمهوری اسلامی را شکل می‌دهد؛ چه‌اینکه حاکمیت مطلوب با ویژگی‌هایی همچون مشارکت جویی، شفافیت، پاسخ‌گویی، اثربخشی، رعایت برابری، ارتقای حاکمیت قانون، تعیین اولویت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر مبنای اجماع وسیع‌تر، که در آن ندای ضعیف‌ترین و آسیب‌پذیرترین افراد در اتخاذ تصمیمات و تخصیص منابع شنیده شود، شناخته می‌شود.

ایده پاسخ‌گویی در فرمان امام خمینی نه صرفاً محدود به جبران ضررهای مادی یا تنبیه متجاوزان است، بلکه شامل یک نگرش اخلاقی و فقهی می‌شود که به کارگزاران یادآوری می‌کند قدرت و مسئولیت آنان مقید به حدود شرعی است و ایشان باید در قبال عمل نکردن به موازین شرعی پاسخگو باشند (ر.ک: صدر، ۱۳۹۴، ص ۴۴۶). از منظر حکمرانی مدرن، این موضوع معادل مؤلفه «Accountability» یا پاسخ‌گویی کارگزاران به مردم است (حق‌شناس، ۱۳۸۶، ص ۳۶۱). تفاوت قابل توجه در اینجا، تلفیق پاسخ‌گویی با اصول فقهی و اخلاق اسلامی است، به گونه‌ای که هدف نهایی، حفظ حقوق مردم و اطمینان از اجرای عدالت است، نه صرفاً تأمین سازوکار اداری یا قانونی. این همان اصلی است که امام علی (ع) در پندنامه جاودانه خود به مالک اشتر، با هوشمندی تمام به آن پرداخته و خطاب به او می‌فرماید: «و اگر مردم درباره تو به گمان بد افتادند و تو را متهم به ستم کردند، هرچند تو از درستی عمل خود آگاهی، این گمان و سوءظن عمومی را نادیده بگیر. پس آنان را توجیه کن و حقایق را برای مردم به وضوح روشن ساز تا موجبات خشم و شورش آنان فراهم نشود؛ چرا که پنهان ماندن کارهای حکومت، مردم را به اشتباه می‌اندازد و در نهایت، این ابهام و بی‌اعتمادی است که باعث آشفتگی و تباهی سرزمین می‌شود. (نهج‌البلاغه/نامه ۵۳).

در این راستا، فرمان هشت‌ماده‌ای نشان می‌دهد که امام خمینی باور داشتند نظام اسلامی بدون نظارت مردمی ناقص است. مردم باید بتوانند اعتراض و شکایت خود را نسبت به رفتار مأموران دولتی یا قضایی اعلام کنند و نتیجه رسیدگی به شکایات به اطلاع آنان برسد. این سازوکار، علاوه بر ایجاد شفافیت، به تقویت اعتماد عمومی نیز کمک می‌کند. وقتی مردم بدانند که دستگاه‌ها و مأموران اجرایی پاسخگو هستند و تخلفات آنان پیگیری می‌شود، انگیزه‌ای برای حمایت از نظام پیدا می‌کنند و احساس می‌کنند که حکومت مدافع حقوق آنان است.

نظارت متقابل در فرمان امام تنها شامل پیگیری شکایات نمی‌شود، بلکه به معنای ایجاد حد و مرزهای روشن برای قدرت و مسئولیت مأموران نیز هست. مأموران تنها مجاز به انجام وظایف مشخص شده‌اند و ورود به حقوق شهروندان خارج از ضوابط شرعی و قانونی مجاز نیست. حتی در مواردی که مأموران به اشتباه وارد خانه‌ها یا محل کار افراد می‌شوند و با مواد مخدر، آلات قمار یا آثار فحشا مواجه می‌شوند، فرمان تأکید می‌کند که هیچ گونه افشای خصوصی صورت نگیرد و تجاوز به حقوق افراد جایز نیست. این نکته، نمونه‌ای از رعایت همزمان اصل پاسخ‌گویی و مصونیت حقوق مردم است و نشان می‌دهد که کنترل قدرت باید با احترام به حریم خصوصی و کرامت انسانی توأم باشد.

این محور فرمان، یک بعد کلیدی دیگر نیز دارد و آن ایجاد سازوکارهای نهادی برای نظارت است. انتخاب هیأت‌های مورد اعتماد در سطوح مختلف اداری، با وظیفه رسیدگی به شکایات مردم و گزارش آن به مقامات عالی، نمونه‌ای از تلفیق پاسخ‌گویی و ساختار رسمی نظارت در نظام اسلامی است. این سازوکار نه تنها به معنای محدود کردن اختیارات متمرکز و کنترل قدرت است، بلکه فرهنگ مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی را در میان نهادهای دولتی و قضایی ترویج می‌دهد.

از منظر نظریه‌های مدرن حکمرانی، محور پاسخ‌گویی و نظارت متقابل فرمان امام خمینی، ارتباط مستقیم با سه مؤلفه دارد: شفافیت در عملکرد، پاسخ‌گویی نهادهای دولتی به مردم، و ایجاد اعتماد عمومی. این سه مؤلفه از ارکان اصلی حکمرانی تراز شناخته می‌شوند. اما تفاوت مهم در نگرش امام خمینی، استفاده از فقه و اصول اخلاقی به عنوان مرجع قانونی و اخلاقی پاسخ‌گویی است. یعنی

پاسخ‌گویی نه تنها یک الزام اداری، بلکه یک الزام اخلاقی و شرعی است و هر گونه تخلف از آن به منزله ظلم و گناه کبیره محسوب می‌شود.

۴-۵: محور چهارم: کارآمدی، شفافیت و منع سوءاستفاده از قدرت

فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی، در ابعاد مختلف، بر ضرورت کارآمدی نهادها، شفافیت در عملکرد و محدود کردن سوءاستفاده از قدرت تأکید دارد. این نگرش نشان می‌دهد که از دیدگاه ایشان، حکمرانی تراز نه تنها مبتنی بر عدالت و پاسخ‌گویی است، بلکه باید با عملکرد اثربخش نهادها همراه باشد تا اهداف نظام اسلامی محقق شود. امام خمینی در بندهای اول تا سوم و همچنین بند هشتم فرمان، به صراحت بیان می‌کنند که قوانین شرعی باید با دقت و سرعت تهیه، تصویب و ابلاغ شوند و دستگاه‌ها موظف‌اند بدون تعویق به اجرای آن‌ها بپردازند. این تأکید نشان می‌دهد که حکمرانی تراز نیازمند نهادهایی کارآمد، هماهنگ و با قابلیت عملیاتی بالا است، چرا که بدون چنین کارآمدی، عدالت و پاسخ‌گویی حتی با بهترین قوانین نیز تحقق نمی‌یابد. این سه شاخصه اساسی حکمرانی مبتنی بر مسئولیت متقابل، یعنی شفافیت، مشورت‌پذیری و دوری از استبداد، همراه با عملگرایی و سرعت و قاطعیت در انجام وظیفه، در تعالیم امیرالمؤمنین به وضوح تجلی یافته است آنجا که می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَّا أُحْتَجَرَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ» (نهج‌البلاغه/نامه ۵۰)، و برخی از فقهای معاصر با استناد به همین فراز، بر حق اطلاع مردم از تصمیم‌گیری‌های حاکمیت در مسائل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... تأکید ورزیده‌اند (منتظری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۳۷).

باید اذعان داشت کارآمدی در فرمان امام خمینی نه صرفاً به معنای سرعت یا کمیت عملکرد است، بلکه به کیفیت تصمیم‌گیری، توانایی اجرای احکام شرع و پاسخ‌گویی به نیازهای مردم مرتبط می‌شود. ایشان با تأکید بر صلاحیت قضات و سایر کارگزاران، نشان می‌دهد که کارآمدی بدون حضور افراد صالح و با تخصص لازم میسر نیست. در این نگاه، انتصاب افراد بر اساس شایستگی و توانایی‌های واقعی، یکی از راهکارهای اصلی تضمین کارآمدی نهادهاست. امام همچنین بر بررسی دقیق صلاحیت‌ها و جلوگیری از کنار گذاشتن افراد مفید به دلیل اتهامات واهی تأکید دارند، که این خود جلوه‌ای از انصاف و کارآمدی توأم با عدالت است.

شفافیت یکی دیگر از مولفه‌های برجسته در فرمان هشت‌ماده‌ای است. امام خمینی تصریح می‌کنند که مأموران و کارگزاران نباید از حدود قانونی و شرعی فراتر روند و هر گونه اقدام باید قابل پیگیری و مشخص باشد. ایجاد هیأت‌های مردمی برای دریافت شکایات و ارجاع آن به مقامات مسئول، نمونه‌ای از شفافیت سازمانی و نظارت مردمی است که تضمین می‌کند قدرت تنها در چهارچوب مشخص و تحت نظارت دقیق اعمال شود. شفافیت در اینجا هم به معنای اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی است و هم به معنای محدود کردن فضای پنهان و غیرقابل کنترل که می‌تواند زمینه‌ساز سوءاستفاده از قدرت شود.

همچنین سوءاستفاده از قدرت یکی از خطراتی است که هر حکومتی با آن مواجه است و امام خمینی به این موضوع توجه ویژه داشته‌اند. فرمان هشت‌ماده‌ای با بیان ممنوعیت اقدامات خودسرانه، ورود به حریم خصوصی، مصادره مال مردم و تجاوز به حقوق آنان، چارچوب روشنی برای محدود کردن قدرت اجرایی و قضایی ارائه می‌دهد. از دیدگاه ایشان، قدرت بدون محدودیت و کنترل می‌تواند به ظلم، فساد و بی‌اعتمادی عمومی منجر شود، و برای جلوگیری از این خطر، نظام اسلامی باید نهادهایی مستقل و نظارت‌های مردمی داشته باشد که هر گونه تخلف را رصد و پیگیری کنند. این محدودیت‌ها، هم به منظور صیانت از حقوق فردی است و هم برای تضمین ثبات و مشروعیت نظام.

کارآمدی و شفافیت همچنین با بهرمگیری از اصول فقهی در تعامل مستقیم هستند. امام خمینی با تأکید بر عمل به احکام شرعی و جلوگیری از مسامحه و فساد، نشان می‌دهند که اجرای درست قانون شرع، پیش‌شرط اصلی کارآمدی نهادهاست. در قانون اساسی ایران نیز اصولی مانند اصل ۴۹ که بازگرداندن اموال نامشروع به صاحبان حق را الزامی می‌کند و اصل ۱۴۲ که بر نظارت بر دارایی‌های مسئولان تأکید دارد - به وضوح در راستای تحقق همین هدف وضع شده‌اند. بدون رعایت این اصول، هرگونه تصمیم اجرایی یا قضایی، ممکن است موجب نارضایتی، بی‌اعتمادی و کاهش مشروعیت شود. بنابراین،

از نگاه ایشان، شفافیت، پاسخ‌گویی و کارآمدی، هم‌راستا با عدالت و کرامت انسانی، یک سیستم منسجم حکمرانی را شکل می‌دهند که قدرت را مقید به اخلاق و قانون می‌سازد. نکته مهم دیگر در این زمینه، جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت حتی در مواجهه با مخالفان نظام است. امام خمینی تصریح می‌کنند که حتی در برخورد با دشمنان، مأموران مجاز نیستند از حدود شرع و قانون تجاوز کنند و هرگونه اقدام خارج از چهارچوب، جرم و مستلزم تعقیب است. این رویکرد نشان می‌دهد که کارآمدی و اثربخشی دستگاه‌ها نباید به قیمت ظلم و تعدی به حقوق مردم باشد و حکومت اسلامی باید با محدود کردن قدرت خود، از تبدیل شدن آن به ابزار سرکوب و فساد جلوگیری کند. در مجموع، محور کارآمدی، شفافیت و منع سوءاستفاده از قدرت در فرمان هشت‌ماده‌ای، تصویری از حکمرانی مؤثر، مسئول و اخلاق‌مدار ارائه می‌دهد. این محور نشان می‌دهد که امام خمینی، عدالت و پاسخ‌گویی را بدون تضمین کارایی و شفافیت نهادها ناقص می‌دانستند و معتقد بودند که تنها با ایجاد سیستم‌های اجرایی توانمند و مقید به قانون و شرع، می‌توان به حکمرانی تراز دست یافت. از این منظر، فرمان هشت‌ماده‌ای نمونه‌ای عملی و نظری از تلفیق اصول فقهی، اخلاقی و مدیریتی برای تحقق حکمرانی مشروع و کارآمد در جمهوری اسلامی ارائه می‌کند.

۵-۵: محور پنجم: حدود قدرت در شرایط امنیتی و استثنایی

فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی در بند هفتم خود به موضوعی بسیار حساس و مهم اشاره دارد که همواره یکی از چالش‌های بنیادین هر نظام حکمرانی، به‌ویژه در دوران پس از انقلاب، بوده است؛ یعنی نحوه اعمال قدرت در شرایط امنیتی و استثنایی و محدودیت آن براساس ضوابط شرعی. از دیدگاه امام خمینی، حتی مواجهه با دشمنان نظام، گروهک‌های مخالف، خانه‌های تیمی و افرادی که قصد خرابکاری یا تهدید امنیت عمومی دارند، نباید بهانه‌ای برای تجاوز به حقوق و آزادی‌های مردم عادی باشد.

این نگاه نشان‌دهنده توازن دقیق میان اقتدار حکومت و رعایت حقوق شهروندان است و نمونه‌ای برجسته از اصول حکمرانی اخلاق‌مدار در شرایط بحران را ارائه می‌دهد که در ضمن برخی از آیات قرآنی نیز بر آن تأکید شده است؛ از جمله اینکه قرآن کریم عدالت‌ورزی را حتی در فضای خصومت امری واجب دانسته و هشدار می‌دهد: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا؛ اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (مائده/۸). طبرسی در ذیل آیه توضیح می‌دهد که خداوند پس از نهی مؤمنان از ترک عدالت، برای تأکید بیشتر فرمان به رعایت آن صادر کرده و سپس با جمله «هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» علت این دستور را بیان نموده است؛ بدین معنا که عدالت، نزدیک‌ترین راه به تقواست، زیرا عمل به آن به دقت و مراقبت تقوایی می‌انجامد (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۱۶). شماری از مفسران معاصر نیز مضمون آیه را دارای اطلاق دانسته و بر این باورند که دشمنی مورد اشاره، اعم از عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی یا امور دینی است؛ بنابراین رعایت عدالت در حق دیگران، حکمی مستقل و لازم‌الاجراست و نباید تحت تأثیر کینه یا منافع آلوده گردد (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۳۸۵). در روایات نیز همین معنا مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنان‌که در حدیثی بر رعایت عدالت حتی نسبت به فاجران سفارش شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۱۰۴). همچنین اخبار وارده، در شمار ویژگی‌های مؤمن، رفتار عادلانه با دشمن را برشمرده‌اند: «يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَمَانِي خِصَالٍ... لَا يَظْلِمُ الْأَعْدَاءَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۷). بر این اساس، از نگاه پیشوایان دین، عدالت و انصاف فضیلتی همگانی و فراگیر است و حتی در مواجهه با مخالف یا ستمگر نیز ساقط نمی‌شود؛ زیرا شأن مؤمن آن است که ظلم را با ظلم پاسخ ندهد، وگرنه جدال او با ظالم، تقابل عدالت و بیداد نخواهد بود، بلکه نزاعی میان دو ظلم محسوب می‌شود.

در همین راستا امام خمینی تأکید می‌کنند که مأموران مجاز نیستند فراتر از حدود مأموریت عمل کنند و هرگونه اقدام خارج از چارچوب، حتی به بهانه مقابله با توطئه‌ها و گروهک‌ها، جرم و مستوجب تعزیر شرعی است. شایان ذکر آنکه در قوانین کنونی کشور، روح زنده و تأکید ژرف امام خمینی بر این که اقتدار حکومت هرگز نباید با سلب حقوق بنیادین مردم همراه شود، در کالبد قانونی ماده ۵۷۰

قانون مجازات اسلامی^۱ و ماده ۱۳ منشور حقوق شهروندی تجسم یافته است. ماده ۱۳ حقوق شهروندی به صراحت اعلام می‌دارد: «هیچ مقامی نباید به نام تأمین امنیت، حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان و حیثیت و کرامت آنان را مورد تعرض و تهدید قرار دهد».(منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۵)

یکی از نکات مهم فرمان، تفکیک میان افراد عادی و کسانی است که به‌طور واقعی تهدیدی علیه نظام محسوب می‌شوند، مانند افرادی که در جمع‌آوری و توزیع مواد مخدر یا خرابکاری فعالیت می‌کنند. امام خمینی تصریح می‌کند که با این افراد باید طبق مقررات شرعی و قضایی برخورد شود، ولی هیچ یک از قضات حق ندارند حکم عمومی صادر کنند که اجازه ورود و تجاوز به منازل افراد بی‌گناه را بدهد. این تفکیک، نشان‌دهنده نگرش هوشمندانه و محدودکننده قدرت حتی در مواجهه با تهدیدها است و از بروز ظلم و خودسری جلوگیری می‌کند.

از منظر نظری، محور محدودسازی قدرت در شرایط امنیتی و استثنایی، به ایجاد توازن میان امنیت و آزادی‌های فردی می‌انجامد. لذا بازرسی‌ها و معاینات محلی، برای دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جاسوسی براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احترام باید انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی با جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای نوشته‌ها، مضمون‌ها و نامه‌ها و عکس فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد.

امام خمینی در فرمان هشت‌ماده‌ای، نه تنها به امنیت نظام توجه دارند، بلکه بر لزوم حفظ حقوق شهروندان و کرامت انسانی تأکید می‌کنند. این توازن، یکی از اصول بنیادین حکمرانی تراز است و نشان می‌دهد که اقتدار حاکم بدون رعایت حقوق مردم، مشروعیت ندارد و می‌تواند به سلب اعتماد عمومی و بحران اجتماعی منجر شود.

در مجموع، محور حدود قدرت در شرایط امنیتی و استثنایی در فرمان هشت‌ماده‌ای، نمونه‌ای عملی از تعادل میان اقتدار، امنیت و رعایت حقوق مردم ارائه می‌دهد. امام خمینی با ترکیب فقه، اخلاق و مدیریت سیاسی، نشان می‌دهند که حکمرانی تراز نه تنها نیازمند قدرت و اقتدار است، بلکه باید قدرت را مقید به اصول شرعی و اخلاقی کند و از هر گونه خودسری یا ظلم حتی در شرایط بحرانی جلوگیری نماید. این محور، ارتباط تنگاتنگی با عدالت، پاسخ‌گویی و کرامت انسانی دارد و به‌روشنی نشان می‌دهد که اصول حکمرانی اسلامی در اندیشه امام، با مفاهیم مدرن امنیت و حقوق بشر سازگار است.

۵-۶: محور ششم: عدالت قضایی و اعتماد عمومی

فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی به وضوح نشان می‌دهد که تحقق عدالت قضایی یکی از ارکان اصلی اعتماد عمومی به حکومت اسلامی است. از نظر امام راحل، عدالت صرفاً یک ارزش اخلاقی یا فقهی نیست، بلکه ملاک اصلی مشروعیت و ثبات حکومت است. در این خصوص امام علی (ع) در بیانی ژرف و فرازمانی، عدالت را ستون استوار حکومت‌ها می‌داند و می‌فرماید: «لَنْ تُحْصَنَ الدُّوْلُ بِمِثْلِ اسْتِعْمَالِ الْعَدْلِ فِيهَا» (تیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۵۵۵). هیچ سپر و پناهی، دولت‌ها را چون رعایت عدالت، در امان نمی‌دارد. در جای دیگر نیز عدل را «جُنَّةُ الدُّوْل» (همان، ص ۱۰۲) می‌نامند؛ سپری محکم که تداوم قدرت و اقتدار یک نظام سیاسی در گرو آن است.

امام خمینی در بندهای اول تا سوم و همچنین بندهای چهارم تا ششم فرمان، به ضرورت بررسی دقیق صلاحیت قضات، اجرای احکام شرعی، جلوگیری از مسامحه و رفتار سلیقه‌ای، و احترام به حقوق مردم تأکید می‌کنند. این تأکیدات نشان می‌دهد که در دیدگاه امام خمینی، عدالت قضایی، زیربنای اعتماد عمومی است و بدون آن، هیچ سیستم حکمرانی موفق نخواهد بود.

^۱ هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

تأکید امام خمینی بر لزوم تبعیت مأمورین ابلاغ و اجرا از احکام قضات، پیوند مستقیم میان اجرای دقیق عدالت و تحقق آرامش اجتماعی به وضوح ترسیم می‌شود. زمانی که مردم شاهد باشند احکام صادره، بی‌طرفانه و مطابق با قانون و شرع اجرا می‌شود و هیچ فرد یا نهادی از شمول آن مستثنی نیست، احساس امنیت و اطمینان پیدا کرده و اعتمادشان به حکومت تقویت می‌شود. در اینجا نکته مهم و قابل تأکید آن است که سطح اعتماد بین ملت و دولت، به شدت تحت تأثیر سطح ادراک شده عدالت از رفتار دولت قرار می‌گیرد. ملت است که حکومت را برمی‌گزیند و به آن مشروعیت می‌بخشد، سپس حکومت در جامعه اعمال قدرت و خطمشی‌گذاری می‌کند. رفتار بعدی مردم نیز مستقیماً به تحلیل آنان از میزان عدالتی که در اقدامات دولت مشاهده می‌کنند، وابسته است.

این اعتماد دوطرفه، نه تنها موجب تقویت مشروعیت نظام اسلامی می‌شود، بلکه مشارکت و همکاری فعالانه مردم با حکومت در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را تسهیل می‌کند. در مقابل، با افزایش اعتماد عمومی، دولت نیز می‌تواند به مردم اعتماد کند و آنان را به عنوان پشتوانه اصلی خود در نظر بگیرد. بنابراین، اجرای عادلانه احکام، حلقه اتصال حیاتی برای ایجاد این چرخه اعتماد و تقویت پایه‌های حکمرانی است.

یکی از ابعاد مهم عدالت قضایی که فرمان به آن اشاره دارد، عدم خودسرانه عمل کردن مأموران و محدود کردن دخالت آن‌ها به چهارچوب‌های قانونی و شرعی است. امام خمینی تأکید می‌کند که توقیف افراد بدون حکم قضایی، ورود به منازل و محل کار بدون اجازه، شنود و تجسس، و افشای اسرار مردم، جرم و گناه است و موجب کاهش اعتماد عمومی خواهد شد. این نگرش نشان می‌دهد که حتی در شرایطی که حکومت با تهدیدها و تخلفات مواجه است، رعایت عدالت قضایی و حقوق شهروندان، اولویت اساسی است و هر گونه تخلف می‌تواند مشروعیت نظام را به خطر بیندازد.

فرمان هشت‌ماده‌ای همچنین بر شفافیت در رسیدگی به شکایات مردم تأکید دارد. ایجاد هیأت‌های مورد اعتماد در استانداری‌ها و فرمانداری‌ها برای دریافت شکایات و ارجاع آن به مقامات مسئول، نمونه‌ای از سازوکار پاسخ‌گویی و تقویت اعتماد عمومی است. این سازوکار، علاوه بر جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت، موجب می‌شود که مردم احساس کنند حکومت به حقوق آنان اهمیت می‌دهد و هر گونه تخلف پیگیری خواهد شد. چنین سازوکاری به نوعی تضمین می‌کند که عدالت قضایی نه تنها اجرا شود، بلکه اثر خود را در اعتماد اجتماعی و انسجام نظام نیز نشان دهد.

بالاخره و در انتها، محور ششم فرمان هشت‌ماده‌ای، ارتباط تنگاتنگ میان عدالت قضایی، پاسخ‌گویی نهادها و اعتماد عمومی را برجسته می‌کند. این محور نشان می‌دهد که در حکمرانی اسلامی از نگاه امام خمینی، عدالت قضایی وسیله‌ای برای ایجاد اعتماد و مشروعیت حکومت است. اجرای دقیق عدالت، احترام به حقوق شهروندان و محدود کردن قدرت مأموران و نهادهای اجرایی، سه عامل اصلی ایجاد اعتماد عمومی و تثبیت حکمرانی تراز در نظام اسلامی هستند. این تحلیل نشان می‌دهد که فرمان هشت‌ماده‌ای، هم به عنوان یک سند فقهی و اخلاقی و هم به عنوان یک راهنمای عملی حکمرانی، می‌تواند الگوی روشن و قابل تحلیلی برای مطالعه حکمرانی تراز در نظام اسلامی باشد و ارتباط میان عدالت، امنیت و اعتماد را به شکلی مستدل نشان دهد.

نتیجه‌گیری

بررسی فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی از منظر حکمرانی تراز، تصویری جامع و روشن از اصول، چارچوب‌ها و الزامات مدیریت یک نظام اسلامی ارائه می‌دهد. تحلیل محتوایی شش محور اصلی فرمان نشان می‌دهد که از دیدگاه امام، حکمرانی موفق و مشروع تنها به قدرت و اقتدار محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم تلفیق عدالت، کرامت انسانی، پاسخ‌گویی، کارآمدی، شفافیت و محدودیت قدرت در شرایط عادی و اضطراری است. این شش محور، زنجیره‌ای منسجم از اصول بنیادین حکمرانی را تشکیل می‌دهند که یکدیگر را تقویت می‌کنند و با رعایت آن‌ها، اعتماد عمومی و مشروعیت نظام تضمین می‌شود.

محور اول، عدالت و اجرای احکام شرع، پایه و اساس فرمان را شکل می‌دهد و نشان می‌دهد که امام خمینی عدالت را نه تنها یک ارزش اخلاقی و فقهی، بلکه پیش‌شرط مشروعیت حکومت می‌دانستند. اجرای دقیق قوانین شرعی و رعایت حقوق مردم، زمینه ایجاد اعتماد و آرامش اجتماعی را فراهم می‌کند و از تمرکز قدرت بدون کنترل جلوگیری می‌کند. محور دوم، کرامت انسانی و مصونیت حریم خصوصی، تأکید امام را بر احترام به حقوق فردی و جلوگیری از هر گونه تعدی یا تجاوز نشان می‌دهد. حفظ حریم خصوصی، منع افشای اسرار و محدود کردن دخالت مأموران، نمونه‌ای روشن از تلفیق اخلاق، فقه و حکمرانی عملی است. کرامت انسانی در این نگاه، هم هدف و هم وسیله‌ای برای استقرار اعتماد عمومی و ثبات اجتماعی است و به نهادها و مأموران یادآوری می‌کند که قدرت بدون رعایت حقوق مردم مشروعیت ندارد. محور سوم، پاسخ‌گویی و نظارت متقابل، نقش مردم و نهادهای مستقل را در کنترل قدرت برجسته می‌کند. ایجاد هیأت‌های مردمی برای دریافت شکایات و پیگیری آن‌ها، نمونه‌ای عملی از پاسخ‌گویی نهادها به جامعه و تضمین شفافیت و عدالت است. این محور، نشان می‌دهد که حکمرانی تراز نیازمند سیستم‌های باز و پاسخگو است و اعتماد عمومی تنها زمانی شکل می‌گیرد که مردم احساس کنند قدرت محدود و مقید به اصول اخلاقی و قانونی است. محور چهارم، کارآمدی، شفافیت و منع سوءاستفاده از قدرت، بر ضرورت عملکرد عملی و اثربخش نهادها تأکید دارد. امام خمینی نشان می‌دهد که اجرای عدالت و پاسخ‌گویی بدون کارایی و شفافیت، ناقص و کم اثر خواهد بود. در کنار آن، محدود کردن سوءاستفاده از قدرت، هم به حفظ حقوق مردم کمک می‌کند و هم موجب مشروعیت و انسجام نظام می‌شود. کارآمدی و شفافیت در اینجا، با اصول فقهی و اخلاقی پیوند خورده و حکمرانی اسلامی را از شکل صرفاً اقتدارگرایانه خارج می‌سازد. محور پنجم، حدود قدرت در شرایط امنیتی و استثنایی، نمونه‌ای از مدیریت هوشمندانه بحران در نظام اسلامی ارائه می‌دهد. امام خمینی تأکید دارند که حتی در مواجهه با تهدیدها و گروهک‌های مخالف، قدرت باید مقید به ضوابط شرعی باشد و تجاوز به حقوق افراد عادی هرگز جایز نیست. این محور، نشان‌دهنده توازن میان اقتدار، امنیت و رعایت حقوق مردم است و بیان می‌کند که مشروعیت حکومت در شرایط بحرانی تنها با رعایت عدالت و اخلاق تحقق می‌یابد. محور ششم، از عدالت قضایی تا اعتماد عمومی، پیوند مستقیم میان عملکرد قضایی، پاسخ‌گویی نهادها و اعتماد مردم را برجسته می‌کند. اجرای دقیق عدالت و احترام به حقوق شهروندان، نه تنها امنیت روانی و اجتماعی را فراهم می‌کند، بلکه پایه‌ای برای مشروعیت و ثبات سیاسی است. اعتماد عمومی، نتیجه ملموس رعایت اصول عدالت و اخلاق است و بدون آن، هیچ حکمرانی موفق نخواهد بود. در جمع‌بندی، فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی نمونه‌ای منسجم از حکمرانی تراز در نظام اسلامی ارائه می‌دهد که مطالعه و بازخوانی این فرمان، به پژوهشگران و سیاست‌گذاران امکان می‌دهد تا تطبیق اصول فقهی و اخلاقی با استانداردهای حکمرانی نوین را بررسی کنند و نشان دهد که اصول اسلامی می‌توانند در چارچوب حکمرانی تراز، تفسیر و اجرا شوند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج‌البلاغه
۳. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة و البرهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۲۴ق)، السنن الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتاب الإسلامی.
۶. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳)، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۸. حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ معاصر انگلیسی‌فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.
۹. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. خمینی، روح‌الله (۱۴۲۱ق)، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۸)، دلالت دولت، تهران: دریا.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار العلم.
۱۳. رجایی، غلامعلی و محمد فکری (۱۳۹۰). حريم خصوصى شهروندان در اندیشه امام خمینی(س) با تأکید بر فرمان هشت ماده‌ای، پژوهشنامه متین، ۱۳(۵۲)، ۸۱-۱۰۱.
- <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.24236462.1390.13.52.5.1>
۱۴. رضی، ابو الحسن محمد بن حسن الموسوي (بی‌تا)، المحقق: صبحي الصالح، بیروت: دار الكتاب اللبناني.
۱۵. صدر، سید محمد (۱۴۲۰ق)، ماوراء الفقه، بیروت: دارالاضواء.
۱۶. صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۴)، امامان اهل بیت مرزبانان حريم اسلام، قم: دارالصدر.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۵۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
۱۸. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۰۸ق)، مجمع البیان، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷)، جوامع الجامع، تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۱. عاملی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، قم: کتابفروشی داورى.
۲۲. عمید زنجانی، عباس‌علی (۱۴۲۱ق)، فقه سیاسى، تهران: امیرکبیر.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۲۴. قادری، سیدعلی (۱۳۹۶). فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره) با رویکردی پیشگیرانه چه رنگی است؟، *رهیافت پیشگیری از جرم*، ۱(۱)، ۵۵-۸۹.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۲۶. مصطفوی، حسن (۱۳۸۰)، تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب.
۲۷. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز الكتاب.
۲۸. مطهری، مرتضی (بی‌تا)، فقه و حقوق، قم: صدرا.
۲۹. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، التفسیر الکاشف، قم: دارالکتب الاسلامیة.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۱. منتظری، حسین‌علی (۱۳۸۴)، رساله استفتاءات، تهران: سایه.
۳۲. منتظری، حسین‌علی (۱۴۰۹ق)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، قم: مؤسسه کیهان.
۳۳. منتظری، حسین‌علی (۱۴۲۹ق)، مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر، قم: ارغوان دانش.
۳۴. میرزازاده، زهرا و سید محمد صادق موسوی (۱۴۰۰). حمایت از حريم خصوصى در كشف جرائم مشهود، *فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۵۳(۱)، ۲۰۵-۲۲۰.
- <https://doi.org/10.22059/jzfil.2021.323176.669164>
۳۵. نائینی، محمدحسین (۱۳۸۲)، تنبیہ‌الامة و تنزیه‌الملہ، قم: بوستان کتاب.
۳۶. نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل‌البیت.